

# تأثیر فقر اقتصادی و عوامل آموزشی بر افت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه یزد

اکبر زارع شاه آبادی\*

چکیده

نظام آموزش عالی کشور به عنوان یک نهاد و دانشگاه به عنوان یک سازمان اجتماعی در جامعه انسانی، وظیفه تأمین نیازهای جامعه از نظر سرمایه انسانی، حفاظت و حراست از دستاوردهای فکری و علمی و انتقال آنها به نسل های آینده را دارد. افت تحصیلی نظام آموزشی کشور را از اهداف پیش بینی شده دور نموده و بخشی از سرمایه ها و فرصت ها را از دست می دهد. پیامدهای این پدیده به صور مختلف از جمله اخراج، انصراف، ترک تحصیل و یا مشروط شدن دانشجو جلوه گر می شود. در این مقاله تأثیر فقر اقتصادی و عوامل آموزشی بر افت تحصیلی فرد مفروض بوده که به روش پیمایشی (survey) مورد بررسی قرار گرفته اند. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه یزد می باشند که ۳۲۰ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه به روش تصادفی انتخاب شده اند.

در این تحقیق دو نوع پرسشنامه یکی خاص دانشجویان مشروطی و دیگری خاص دانشجویان انصرافی و اخراجی استفاده شده است و اطلاعات جمع آوری شده در قالب جداول فراوانی و نمودارها و آزمونهای آماری توصیفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که فقر خانواده مهمترین عامل افت تحصیلی دانشجویان انصرافی و اخراجی بوده است.

واژگان کلیدی

دانشجو، افت تحصیلی، اخراجی، انصراف، مشروط

## مقدمه

شهرستان یزد ۲۴۴۴ کیلومتر مربع وسعت و براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، دارای ۲۸۸۱۷۱ نفر جمعیت بوده است که از این تعداد ۳۶۳۳۶۸ نفر در نقاط شهری و ۲۴۸۰۳ نفر در نقاط روستایی زندگی می کنند. بدین ترتیب نسبت شهرنشینی ۹۴ درصد است. تراکم نسبی جمعیت در شهرستان یزد ۱۵۹ نفر در کیلومتر مربع و در شهر یزد ۳۲۸۴ نفر در کیلومتر مربع می باشد.

بعد یا متوسط تعداد افراد در خانوارهای شهرستان یزد ۴/۵ نفر است و ضریب تکفل یا نسبت جمعیت به شاغلان شهرستان ۳/۹۵ نفر بوده است. از تعداد ۳۴۲۳۳۱ جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهرستان ۲۹۷۱۳۱ نفر یعنی ۸۷ درصد باسوادند. نرخ فعالیت یا میزان علاقمندی افراد به شرکت در فعالیت های اقتصادی در سطح شهرستان ۳۴ درصد است و شاغلان شهرستان یزد در سال ۱۳۷۵، ۹۸۲۷۵ نفر و بیکاران جویای کار ۵۰۴۰ نفر بوده است. بدین ترتیب نرخ بیکاری شهرستان ۴/۹ درصد می باشد که در مقایسه با سایر نقاط کشور دارای پائین ترین نرخ بیکاری می باشد.

آموزش عالی در این شهرستان به دو بخش دولتی و غیردولتی تقسیم می شود. دانشگاه یزد مهمترین مرکز آموزش عالی دولتی در این شهر می باشد که از بهمن ماه سال ۱۳۶۷ شروع به کار نموده و در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ قریب ۵۵۰۰ دانشجو در آن مشغول به تحصیل بوده اند. بررسی شاخص ها و موفقیت های این مؤسسه آموزشی بیانگر رشد کمی و کیفی آن در این مدت کوتاه بوده است، لذا شناخت آسیب ها و آفت هایی که ممکن است جریان تحصیل با آن روبرو باشد و علل و اسباب موجه آن می تواند این مرکز علمی را یاری رساند تا بر این مشکلات فائق آمده و گامهای بعدی را آسانتر و سریعتر و بهتر بردارد.

این تحقیق با هدف بررسی خصوصیات اقتصادی و اجتماعی افراد دارای افت تحصیلی و همچنین زمینه های تحصیلی و اقتصادی آنها به منظور شناخت این مسئله و بررسی علل و عوامل مؤثر بر افت تحصیلی به جهت جلوگیری یا کاهش افت تحصیلی انجام شده است. در این مقاله پس از سیر مباحث تجربی و نظری مربوطه و بیان روش اجرای تحقیق به بررسی یافته های آن در دو بخش توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها خواهیم پرداخت و خلاصه نتایج و پیشنهادات مربوطه را ارائه خواهیم کرد.

### سوابق تجربی و نظری تحقیق

تحقیقات زیادی بر این نکته تأکید دارند که افت تحصیلی ارتباط بسیار قوی و نزدیکی با ویژگیهای خانوادگی دانش آموز دارد. به عبارت کلی تر وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده رابطه معکوسی با افت تحصیلی دارد. (آستین اکلند و ولفورد Astin, Eckland & Wolford, ۱۹۶۴، واگنر، شان Wagner, Shan, ۱۹۶۷).

جنسیت دانش آموز نیز یک متغیر مرتبط با افت تحصیلی ست. به نظر می رسد که مردان نسبت به زنان به نسبت بالاتری تحصیلات دبیرستان را به اتمام می رسانند (آستین، Astin, ۱۹۷۲، فنس تماچر و اسپادی Fenstemacher & Spady, ۱۹۷۰). نکته ای را که باید مد نظر داشت این است که از آنهایی که افت دارند، نسبت بیشتری در زنان تمایل به انصراف داوطلبانه دارند تا اخراج از تحصیل (رابینسون Rabinson, ۱۶۹۷، اسپادی، ۱۹۷۱)

از آنجا که نوع مؤسسه تقریباً با کیفیت آن همبستگی دارد، عجیب نیست که کیفیت مؤسسه نیز بر حضور و باقی ماندن دانش آموزان در آموزشگاه تأثیر داشته باشد (آستین، ۱۹۷۱، واگنر، ۱۹۶۸) واگنر و سول (۱۹۷۰) در تحقیقی برای ایالت «ویسکانسین» دریافتند که مؤسسات با کیفیت بالاتر، نسبت به مؤسسات با کیفیت پایین تر فارغ التحصیل بیشتری دارند.

فقر و محرومیت اقتصادی بطور بارز یکی از عواملی است که تأثیر زیادی بر ترک تحصیل و مردودی می گذارد ولی در این زمینه باید بین فقر مطلق و فقر نسبی تفاوت قائل شد بدین معنی که فقر مطلق با خود سختی معیشت، کم غذایی و بد غذایی، مسکن نامناسب و کارکردن در ضمن تحصیل را به همراه دارد که همه این شرایط موجب فقدان و کمبود امکانات تحصیلی و نیامدن افراد به مدرسه یا ترک تحصیل و مردودی می شود. «فقر نسبی - که وضع نامناسب اقتصادی فرد را نسبت به افراد دیگر ارائه می کند، ممکن است خود نتیجه عوامل و متغیرهای زیادی باشد، ولی بدون شک عاملی برای افت تحصیلی به حساب می آید زیرا که این نوع فقر اختلافات طبقاتی ایجاد می کند که در نتیجه آن تفاوتهایی در رشد و تکامل و تفکر، زبان، رفتار و نگرش افراد نسبت به کار و استراحت بروز می نماید و علایق و انگیزه های پیشرفت آنان را تحت تأثیر قرار می دهد، و همه این عوامل برای پیشرفت تحصیلی افراد و یا عدم آن اهمیت حیاتی دارند.

فقر مطلق عموماً در جوامعی وجود دارد که کار افراد جهت تأمین امکانات اولیه برای بقا و زیست آنان بوده و به صورت زندگی کشاورزی قدیم و یا کار غیرماهرانه

افراد در شهرها و زندگی آنان در حداقل معیشت جلوه می‌کند. این نوع فقر به همراه خود مسائل و مشکلات انسانی گوناگونی از قبیل: سختی معیشت، گرسنگی و کم‌غذایی، بدغذایی، بیماری، خستگی و افسردگی و عدم وجود تفریح و استراحت در بردارد که هریک باعث مشکلات و موانع برای جلوگیری از ورود افراد به نظام آموزش و پرورش و یا ترک آن و عدم موفقیت در آن به حساب می‌آید.» (امین فر، ۱۳۶۷، ص ۲۷).

«افرادی که در شرایط فقر و محرومیت اقتصادی به سر می‌برند عموماً در مکانهایی زندگی می‌کنند که فاقد امکانات بهداشتی بوده، از آب سالم و نور کافی محروم بوده و منزل آنها عموماً یک فضای اتاق ماتندی است که تمام فعالیت‌های زندگی خانواده، و حتی آشپزی در آن انجام می‌گیرد. بدین لحاظ محلی است دودزده، پرفرت و آمد و بسیار شلوغ و پرسروصدا و مکانی برای انجام کارهای شخصی و تکالیف درسی دانش آموزان در آن موجود نیست. کمبود نور کافی و نبودن برق برای روشنایی نیز وضع را بدتر نموده، امکان ادامه امور تحصیلی در منزل را غیرممکن می‌سازد که این امر بر عدم پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر مستقیم دارد.» (همان منبع، ص ۲۸)

«نیاز به کار کودکان و نوجوانان و جوانان نیز که در شرایط فقر و محرومیت اقتصادی وجود دارد یکی دیگر از عوامل افت تحصیلی به حساب می‌آید، زیرا که در این قبیل شرایط امور زیادی در خانه، مزرعه و کسب و کار وجود دارند که می‌توان آنها را به عهده کودکان شش، هفت ساله و بالاتر قرار داد و منافع حاصل از آنها را جهت کمک به اقتصاد ناچیز خانواده اختصاص داد. برای این خانواده‌ها مخصوصاً فصل جمع‌آوری محصول کشاورزی، فصل حیاتی است و نیاز به کار کودکان را تشدید می‌کند. بدین لحاظ کار کودکان مانع رفتن آنان به مدرسه خواهد بود و یا باعث حضور نامرتب آنان در مدرسه و کلاس می‌گردد و این امر نیز عاملی برای ترک تحصیل، مردودی و افت تحصیلی می‌باشد.» (همان منبع، ص ۲۸)

### روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی است که در آن پس از تهیه طرح تحقیق، پرسشنامه‌ای براساس اهداف و فرضیات تحقیق تهیه شده و به دانشجویان اخراجی و انصرافی و مشروطی جهت پاسخ دادن ارائه گردیده است.

دانشجویان مشروطی از طریق لیستی که از اداره کل آموزش دانشگاه گرفته شد شناسایی شدند و افرادی که به عنوان نمونه برگزیده شده بودند، حضوراً به پرسشنامه پاسخ داده اند.

دانشجویان اخراجی و انصرافی به علت اینکه در زمان تحقیق در دانشگاه حضور ندارند با استخراج آدرس پستی آنها از پرونده تحصیلیشان پرسشنامه از طریق پست ارسال شده است و برای تسهیل در دادن پاسخ، پاکتهایی مهمور که هزینه پستی آنها نیز پرداخته شده و آدرس دانشگاه نوشته شده بود به همراه پرسشنامه ها ارسال شد، تا پاسخگویان به راحتی بتوانند و یا تشویق شوند به پرسشنامه ها پاسخ دهند.

پس از جمع آوری پرسشنامه ها، نتایج استخراج و به کامپیوتر داده شده است و با استفاده از نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) به تهیه جداول، نمودارها و آزمونهای آماری به توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شده است.

### جامعه آماری و حجم نمونه

دانشگاه یزد از بهمن ماه ۱۳۶۷ فعالیت آموزشی خود را آغاز نموده و در سال ۱۳۷۷ حدود ۵۵۰۰ نفر دانشجو داشته است. جامعه آماری مورد مطالعه ما در این تحقیق دانشجویان اخراجی، انصرافی و ترک تحصیلی و مشروطی این دانشگاه می باشد، که مطابق آمار اداره کل آموزش دانشگاه تا پایان سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تعداد ۱۲۷ نفر اخراجی و ۴۸۵ نفر انصرافی و ترک تحصیلی بوده اند که مجموع دانشجویان اخراجی و انصرافی ۶۱۲ نفر بوده است که برای همه به جزء چند نفری که آدرس آنها مشخص نبود پرسشنامه ارسال شد. که از این میان ۱۴۲ نفر به پرسشنامه پاسخ و آنها را ارسال داشته بودند.

همچنین تا پایان سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تعداد دانشجویان مشروطی در حال تحصیل در دانشگاه ۱۹۶۵ نفر بوده است که لیست اسامی آنها از آموزش دانشگاه اخذ و با استفاده از فرمول 
$$n = \frac{N_i^2 Pq}{Nd^2 + t^2 Pq}$$
 حجم نمونه ۱۹۷ نفر تعیین گردید که بیش از ۱۰ درصد از دانشجویان مشروطی در حال تحصیل می باشد.

$$N=1965 \quad t=1/96 \quad p=0/35 \quad q=0/65 \quad d=0/0004$$

$$n = \frac{1965 * (1.95)^2 * 0.35 * 0.65}{1965 * (0.004)^2 + (1.96)^2 * 0.35 * 0.65} = \frac{1717.34}{8.734} = 196.63 \rightarrow n \cong 197$$

سپس با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده که معتبرترین روش نمونه گیری در تحقیق می باشد کل جامعه آماری کدگذاری و افراد نمونه از طریق جدول تصادفی برگزیده و پرسشنامه جهت تکمیل به آنان ارائه و پس از پاسخ جمع آوری گردید. در مجموع با احتساب دانشجویان انصرافی، اخراجی و مشروطی، حجم نمونه این تحقیق ۲۲۰ نفر می باشد.

### یافته های تحقیق

در ادامه مقاله به نتایج بدست آمده در این تحقیق می پردازیم. این نتایج بطور جداگانه در دو قسمت توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات آورده می شود:

#### الف) توصیف ویژگیهای جامعه آماری

- ۷۷/۱ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۲/۹ درصد زن هستند. نسبت دانشجویان دختر در بین انصرافی ها در مقایسه با دانشجویان (مشروطی و اخراجی) بیشتر است. به عبارت دیگر چنین به نظر می رسد که دانشجویان دختر بیشتر ترجیح می دهند که خود انصراف دهند تا اخراج شوند. علاوه بر این بسیاری از دختران به علت مخالفت خانواده توسط دیگران مثل پدر و مادر، شوهر و یا برادر بزرگتر مجبور به ترک تحصیل می شوند.

- نسبت دانشجویان بالای ۲۵ سال در بین دانشجویان مشروطی حدود ۲۵ درصد ولی در بین دانشجویان انصرافی و اخراجی به ترتیب ۴۵ و ۶۵ درصد است. این نسبت ها نشان می دهد که دانشجویان انصرافی و اخراجی در مقایسه با مشروطی ها مسن ترند.

- ۲۵ درصد افراد دارای افت تحصیلی روستایی و ۷۵ درصد افراد ساکن مناطق شهری بوده اند. در بین دانشجویان روستایی نسبت انصرافی و اخراجی بیشتر از مشروطی است.

- ۲۸ درصد پاسخگویان ساکن شهر یزد، ۲۲/۹ درصد ساکن سایر نقاط استان یزد، ۲۲ درصد ساکن شهرهای بزرگ تهران، اصفهان و شیراز و ۱۷/۱ درصد ساکن سایر شهرهای ایران هستند.

- ۷۶/۱ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۲/۹ درصد متأهل هستند. نسبت دانشجویان متأهل در بین دانشجویان اخراجی از سایر دانشجویان بالاتر است، زیرا در حدود ۴۰/۷

درصد دانشجویان اخراجی متأهل هستند در حالی که نسبت متأهلین در بین دانشجویان مشروطی و انصرافی به ترتیب  $21/3$  و  $18/7$  درصد می باشد.

- نسبت شاغلین در بین دانشجویان مشروطی و انصرافی یکسان است اما این نسبت در بین دانشجویان اخراجی در مقایسه با مشروطی ها و انصرافی ها افزایش یافته و در حدود  $50$  درصد دانشجویان اخراجی شاغل بوده اند.

-  $23/6$  درصد از افراد دارای افت تحصیلی، پدرشان بیسواد بوده در حالی که کمتر از  $10$  درصد این افراد پدرشان دارای تحصیلات دانشگاهی است و حدود  $37$  درصد پاسخگویان دارای مادر بی سواد بوده و  $1$  درصد مادران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

- نسبت خانواده های دارای درآمد ماهیانه بالاتر از  $70000$  تومان در بین دانشجویان مشروطی  $22/8$  درصد است در حالی که این نسبت در بین انصرافی ها و اخراجی ها به ترتیب  $14/9$  و  $11/5$  درصد می باشد. همچنین نسبت خانواده های درآمد کمتر از  $30000$  تومان در بین دانشجویان مشروطی  $25$  درصد است که این نسبت در بین دانشجویان انصرافی و اخراجی به ترتیب  $48/6$  و  $52/8$  درصد می باشد.

- متوسط بعد خانوار در بین دانشجویان دارای افت تحصیلی  $8/4$  نفر می باشد که با توجه به متوسط بعد خانوار حدود  $5$  نفر در سطح ملی، بسیار زیاد می باشد.

- حدود  $15$  درصد دانشجویان دارای افت تحصیلی یکی از والدین آنها یا هر دو آنها فوت یا متارکه کرده اند. این نسبت در بین دانشجویان انصرافی و اخراجی از مشروطی بیشتر می باشد. این نسبت برای دانشجویان مشروطی، انصرافی و اخراجی به ترتیب  $12/1$ ،  $17/3$  و  $16/7$  درصد بوده است.

-  $43/1$  درصد افراد دارای دیپلم ریاضی فیزیک،  $8/6$  درصد دیپلم هنرستان،  $16/5$  درصد دیپلم علوم تجربی،  $30$  درصد دیپلم علوم انسانی و  $1/8$  درصد دارای سایر انواع دیپلم ها بوده اند. در بین رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی با رشته های هنرستان و علوم انسانی در نوع افت تحصیلی تفاوتی مشاهده می شود بدین معنی که در بین دیپلمه های ریاضی فیزیک و علوم تجربی افراد مشروطی در مقایسه با انصرافی و اخراجی بیشتر است در حالی که در بین دیپلمه های هنرستان و علوم انسانی درصد افراد انصرافی و اخراجی از درصد افراد مشروطی بیشتر می باشد.

-  $35/4$  درصد پاسخگویان در رشته علوم انسانی،  $22/6$  درصد در رشته های علوم پایه،  $28$  درصد در رشته های فنی و مهندسی،  $3/1$  درصد در رشته های منابع طبیعی و

حدود ۱ درصد در رشته های هنر و معماری در دانشگاه یزد مشغول به تحصیل بوده اند.

- در بین دانشجویان روزانه کمترین درصد افت تحصیلی مربوط به انصراف از تحصیل است در حالی که در بین دانشجویان شبانه بیشترین درصد افت تحصیلی مربوط به انصراف از تحصیل است.

- ۷۲/۷ درصد دانشجویان دارای افت تحصیلی اظهار داشتند که خودشان انتخاب رشته نموده اند. ۲/۴ درصد والدین، ۱۰/۴ درصد اقوام، ۶/۴ درصد خواهر یا برادر بزرگتر و ۷ درصد سایر افراد برای آنها انتخاب رشته نموده اند.

- ۱۱/۷ درصد افراد دارای معدل دیپلم ۱۷ و بالاتر، ۲۵/۸ درصد دارای معدل دیپلم ۱۷-۱۵، ۵۰/۵ درصد دارای معدل دیپلم ۱۲-۱۵ و ۱۲ درصد دارای معدل دیپلم ۱۰-۱۲ بوده اند.

- ۶۸/۴ درصد از پاسخگویان از رشته تحصیلی خود احساس رضایت و ۳۱/۶ درصد احساس عدم رضایت داشتند. ۳۱/۷ درصد این افراد علت عدم رضایت از رشته تحصیلی خود را عدم علاقه به رشته تحصیلی، ۲۸/۳ درصد نداشتن بازار کار، ۱۸/۶ درصد مواد و محتوای درسی نامطلوب و ۲۱/۴ درصد سایر علل دانسته اند.

- محیط نامناسب، فقر خانواده و ضعف پایه تحصیلی به ترتیب سه عامل مهم در افت تحصیلی افراد بوده است که بیش از ۶۰ درصد افراد آنها را از علل افت تحصیلی شان ذکر نموده اند.

- ۶۱/۳ درصد خودشان را، ۱۲/۳ درصد اساتید را، ۱۰/۹ درصد سایر افراد، ۵/۳ درصد دوستان، ۴/۶ درصد والدین، ۳ درصد کارمندان دانشگاه، ۱/۷ درصد اقوام و ۱ درصد دانشجویان دیگر را مسبب اصلی افت تحصیلی خود می دانند.

- ۲۴/۲ درصد دانشجویان ترک تحصیل کرده و اخراجی بیکار، ۸/۶ درصد به خدمت وظیفه عمومی، ۱۰/۹ درصد دارای شغل آزاد، ۳۱/۳ درصد کارمند و ۲۵ درصد دانشجویی دانشگاههای دیگر هستند.

- نسبت بازگشت به تحصیل در بین دانشجویان انصرافی ۳۱/۱ درصد بوده، در حالی که این نسبت در بین دانشجویان اخراجی ۱۶/۷ درصد بوده است.

- ۳۲/۳ درصد افراد پس از ترک تحصیل از وضع خود احساس رضایت و ۶۷/۷ درصد احساس عدم رضایت نموده اند. همچنین ۷۴ درصد افراد ابراز تمایل به بازگشت به دانشگاه و ۲۶ درصد افراد عدم تمایل به بازگشت به دانشگاه را اعلام نموده اند.

**(ب) تجزیه و تحلیل اطلاعات**

همانگونه که قبلاً گفته شد اطلاعاتی که بوسیله پرسشنامه جمع آوری شده است با استفاده از جداول دو بعدی و آزمون کیدو  $\chi^2$ ، ضریب همبستگی و ... روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین سطح کمی و کیفی متغیرها در نظر گرفته شده و برای هر کدام آزمونی متناسب اعمال شده است. در مواردی برای اطمینان از واقعی بودن رابطه، بعضی از متغیرها نیز کنترل شده اند. با توجه به موضوع این مقاله، عوامل فوق الذکر در دو مدل جداگانه ارائه و بررسی می شود.

**مدل اول: فقر اقتصادی**

در این مدل متغیرهای مستقل عبارتند از: وضعیت اقتصادی خانواده، درآمد ماهیانه،<sup>۱</sup> شغل پدر و مادر، شبانه یا روزانه بودن و نوع مسکن در زمان تحصیل و متغیر وابسته معدل دانشجویان یا وضعیت تحصیلی (مشروطی، انصرافی، اخراجی)<sup>۲</sup> بوده است.

در پرسشنامه از دانشجویان سؤال شده که وضعیت اقتصادی خانواده خود را چگونه ارزیابی می کنید؟ اطلاعات بدست آمده در جدول شماره ۱ آورده شده است. مطابق این جدول اکثر پاسخگویان وضعیت اقتصادی خانواده خود را متوسط و پائین ارزیابی نموده اند و همچنین در افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و بالا درصد افراد مشروطی از درصد افراد انصرافی و اخراجی بیشتر است. در حالیکه در طبقات پائین درصد افراد انصرافی و اخراجی از مشروطی بیشتر است و بالعکس.

۱- بین داده های حاصل از سؤال مربوط به درآمد ماهیانه خانواده و سؤال مربوط به ارزیابی فرد از وضعیت اقتصادی خانواده آزمون معنی داری صورت گرفت. رابطه دو سنج از نظر آماری با سطح خطای تقریباً صفر معنی دار بود. این آزمون اعتبار سنجی فوق را مشخص می نماید.

۲- بین وضعیت تحصیلی و معدل (در سطح ترتیبی) آزمون معنی داری کیدو و انجام شد. دو سنج از نظر آماری با سطح خطای نزدیک صفر معنی دار است. این آزمون اعتبار (Validity) سنجی را مورد تأیید قرار

جدول شماره (۱) توزیع پاسخگویان برحسب ارزیابی وضعیت اقتصادی خانواده و وضع تحصیلی

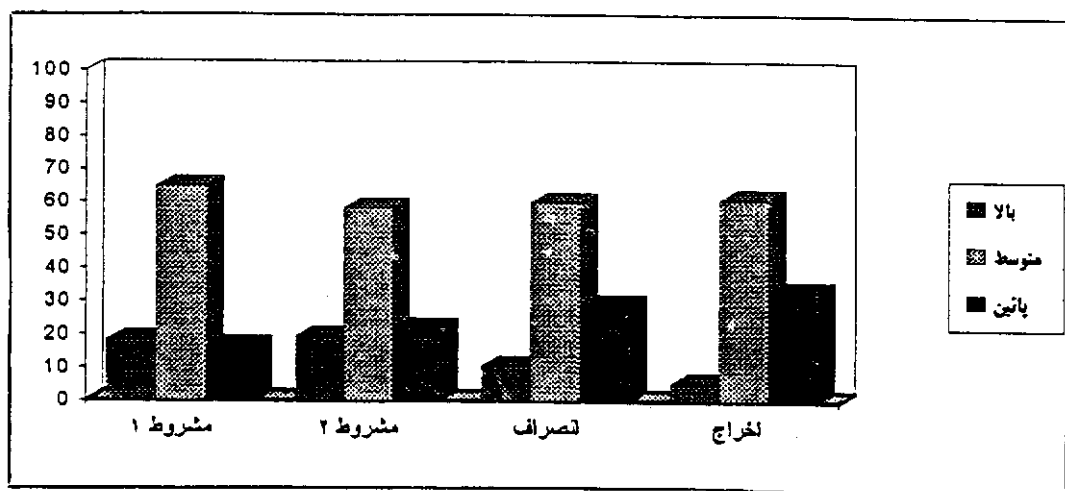
وضعیت اقتصادی خانواده		مشروطی ۱*		مشروطی ۲**		انصراف		اخراج		جمع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بالا	۳۰	۱۸/۵	۷	۱۹/۵	۸	۱۰/۷	۳	۵/۶	۷۵	۱۴/۷
متوسط	۱۰۵	۶۴/۸	۲۱	۵۸/۳	۴۵	۶۰	۲۲	۶۱/۱	۲۰۴	۶۲/۴
پائین	۲۷	۱۶/۷	۸	۲۲/۲	۲۲	۲۹/۳	۱۸	۲۳/۳	۴۸	۲۲/۹
جمع	۱۶۲	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۲۷	۱۰۰

\* مشروطی ۱: منظور کسانی است که بین ۱ تا ۳ ترم سابقه مشروطی دارند.

\*\* مشروطی ۲: منظور کسانی است که بیش از ۳ ترم سابقه مشروطی دارند.

به نظر می رسد که هرچه وضعیت اقتصادی افراد رو به وخامت می گذارد نوع افت تحصیلی نیز حادتر می شود. یعنی از شکل خفیف آن یعنی مشروطی به سمت انصراف با اخراج میل می کند. (نگاه کنید به نمودار شماره ۱)

نمودار شماره (۱) توزیع درصد پاسخگویان برحسب وضعیت اقتصادی خانواده



بین متغیرهای وضعیت اقتصادی خانواده و وضعیت تحصیلی در جدول شماره (۱)

آزمون  $\chi^2$  بعمل آمد. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

$$\chi^2 = 13.7$$

$$d.f = 6$$

$$P = .04$$

$$\tau_b = .17$$

با توجه به داده های فوق رابطه بین متغیر وضعیت اقتصادی و وضعیت تحصیلی دانشجویان از نظر آماری در سطح خطای ۰/۰۴ معنی دار می باشد و ضریب همبستگی کندال b، ۰/۱۷ که بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین وضعیت اقتصادی و افت تحصیلی می باشد، یعنی هرچه وضعیت اقتصادی دانشجویان حادتر می شود افت تحصیلی نیز شدیدتر می گردد.

\*\*\*\*

همچنین بین متغیر درآمد ماهیانه خانواده و وضعیت تحصیلی، آزمون  $x^2$  بعمل آمد. نتایج این آزمون به این شرح است.

$$x^2 = ۲۲/۶ \quad d.f = ۶ \quad P = ۰/۰۰۰۹ \quad \tau_b = ۰/۲۰$$

براساس این داده ها رابطه بین درآمد ماهیانه خانواده و وضعیت تحصیلی از نظر آماری در سطح خطای ۰/۰۰۰۹ معنی دار بوده و ضریب همبستگی کندال b، ۰/۲۰ است که بیانگر رابطه تقریباً قوی و مثبت بین درآمد ماهیانه خانواده و وضعیت تحصیلی می باشد. به عبارت دیگر هرچه درآمد خانواده افزایش می یابد، وضعیت تحصیلی نیز بهبود یافته و افت تحصیلی کاهش می یابد.

\*\*\*

همچنین بین وضعیت اشتغال (شاغل و غیرشاغل بودن) و وضعیت تحصیلی پاسخگویان آزمون  $x^2$  بعمل آمد. نتایج آن به این شرح است:

$$x^2 = ۱۸/۵۷ \quad d.f = ۳ \quad P = ۰/۰۰۰۳ \quad \tau_b = -۰/۱۷$$

با به نتایج فوق رابطه بین وضعیت اشتغال و وضعیت تحصیلی از نظر آماری در سطح خطای ۰/۰۰۰۳ معنی دار است و ضریب همبستگی کندال b، -۰/۱۷ است که نشان دهنده رابطه تقریباً قوی و منفی بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر اشتغال دانشجویان در زمان تحصیل در افت تحصیلی وی مؤثر است. نکته دیگری که در جدول مربوطه مشخص می شود این است که دانشجویان شاغل بسیار کم انصراف می دهند زیرا انگیزه بیشتر برای تحصیل دارند لیکن کسانی که انصراف نمی دهند و به تحصیل ادامه می دهند در مقایسه با دانشجویان غیرشاغل دارای افت تحصیلی بیشتری هستند.

در این آزمون معدل دوره دبیرستان (ضعف پایه تحصیلی) کنترل شد و مشخص گردید که وقتی ضعف پایه تحصیلی کنترل می گردد اشتغال در افت تحصیلی تأثیری ندارد. به عبارت دیگر دانشجویان شاغل دارای پایه تحصیلی قوی دارای افت تحصیلی

نیستند و وقتی که ضعف پایه تحصیلی با مشکلات ناشی از اشتغال همراه می گردد افت تحصیلی افزون می شود.

همچنین در این آزمون متغیر درآمد ماهیانه خانواده نیز کنترل گردید. در این وضعیت در اқشار دارای درآمد بالا و همچنین در اқشار دارای درآمد پائین رابطه بین اشتغال و افت تحصیلی معنی دار نیست. اما در اқشار متوسط رابطه بین اشتغال و افت تحصیلی معنی دار است. ضریب همبستگی بین وضعیت اشتغال و وضعیت تحصیلی با کنترل درآمد در اқشار متوسط و برعکس حالت اولیه مثبت می باشد یعنی اشتغال در اқشار متوسط نه تنها باعث افت تحصیلی نمی شود بلکه باعث افزایش کیفیت تحصیلی می گردد.

این آزمون همچنین تأثیر قاطع وضعیت اقتصادی را بر افت تحصیلی نمایانگر می سازد.

بین بعد خانوار و معدل در دوره دانشگاه ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید. نتایج این آزمون به شرح زیر است.

$$r = 0.927 \quad P = 0.91$$

این ضریب همبستگی منفی و ضعیف است یعنی هرچه بعد خانوار بیشتر می شود معدل دانشجوی کاهش می یابد و افت تحصیلی بیشتر می شود اما این ضریب همبستگی در سطح خطای ۰/۰۹۱ از نظر آماری معنی دار نیست.

بین متغیر نوع مسکن در زمان تحصیل (خوابگاه، منزل اجاره ای، منزل شخصی) و وضعیت تحصیلی دانشجوی آزمون معنی داری  $x^2$  بعمل آمد اما این آزمون از نظر آماری معنی دار نیست. یعنی بین خوابگاهی و غیرخوابگاهی بودن و افت تحصیلی رابطه معنی داری وجود ندارد.

همچنین بین دوره (شبانه - روزانه) و وضعیت تحصیلی آزمون  $x^2$  از نظر آماری معنی دار نیست یعنی بین دانشجویی روزانه و شبانه بودن و افت تحصیلی رابطه معنی داری وجود ندارد اگر چه وضعیت انصرافی را باید استثناء نمود. زیرا حدود ۷۵ درصد دانشجویان انصرافی از دوره شبانه هستند و اکثر آنها در ابتدای تحصیل به علت مشکلات اقتصادی از تحصیل انصراف داده اند. ولی کسانی که توانایی مالی پرداخت هزینه را داشته و به تحصیل ادامه داده اند با دانشجویان روزانه از نظر تحصیلی تفاوتی ندارند.

همچنین در سؤال دیگری دانشجویان در پاسخ به این سؤال که علت افت تحصیلی خود را چه می دانند؟ آنها فقر خانواده را مهمترین عامل افت تحصیلی خود ذکر نموده بودند. نسبت آنهایی که این گزینه را انتخاب نموده اند برای دانشجویان مشروطی ۱۰/۵ درصد و برای دانشجویان انصرافی ۳۱/۴ درصد و برای دانشجویان اخراجی ۴۷/۲ درصد می باشد و بیانگر این مطلب است که هرچه وضعیت تحصیلی دانشجو وخیم تر شود یعنی افت تحصیلی بیشتر می گردد این نسبت نیز بیشتر می شود.

### مدل دوم فقر آموزشی یا ضعف پایه تحصیلی

متغیرهای مستقل در این مدل عبارتند از: معدل دیپلم، سابقه تجدیدی و مردودی در دبیرستان، سهیه کنکور و محل اخذ دیپلم (شهر-روستا) و متغیر وابسته، معدل در دانشگاه یا وضعیت تحصیلی (تعداد ترمهای مشروطی، اخراجی و انصرافی) بوده است. در پرسشنامه معدل دیپلم و معدل کل در دانشگاه سؤال شده و سپس ضریب همبستگی بین معدل دیپلم و معدل کل دانشگاه محاسبه شده است که نتیجه این آزمون به این شرح است:

$$r = 0.307 \quad P = \dots$$

ضریب همبستگی ۰/۳۰۷ بوده است که از نظر آماری نیز صددرصد معنی دار است. ضریب همبستگی فوق نشان می دهد اولاً بین معدل دیپلم در قبل از ورود به دانشگاه و معدل در دوره دانشگاه همبستگی تقریباً قوی وجود دارد. ثانیاً این همبستگی مثبت و مستقیم است یعنی هرچه معدل دیپلم بیشتر، معدل دوره دانشگاه نیز بیشتر بوده است و برعکس.

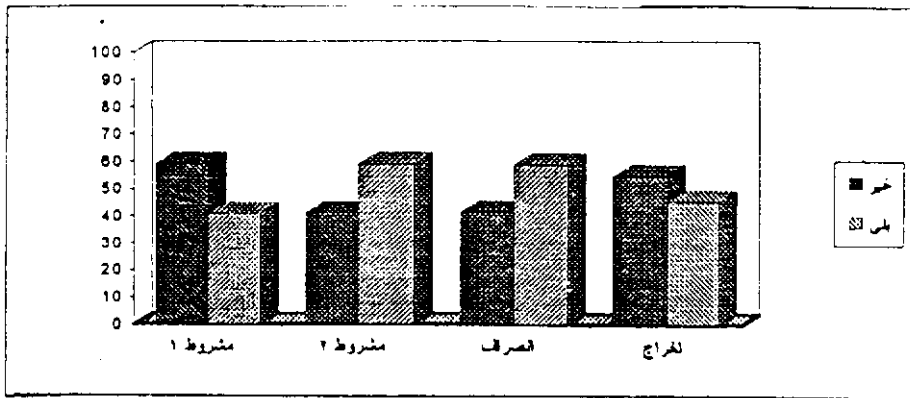
\*\*\*

همچنین وضعیت تحصیلی در دوره دبیرستان، سابقه تجدیدی یا مردودی در دوره دبیرستان سؤال شده است و رابطه آن با وضعیت تحصیلی دانشجو (مشروطی، انصرافی و اخراجی) در جدول زیر به نمایش گذاشته شده است.

جدول شماره ۲- توزیع پاسخگویان برحسب تجدیدی در دوره دبیرستان

وضعیت تجدید در دبیرستان		مشروطی ۱		مشروطی ۲		انصراف		اخراج		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیر	۹۱	۵۹/۱	۱۴	۴۱/۲	۲۹	۴۱/۴	۲۹	۵۴/۷	۱۶۳	۵۲/۴	
بلی	۶۳	۴۰/۹	۲۰	۵۸/۸	۴۱	۵۸/۶	۲۴	۴۵/۳	۱۶۸	۴۷/۶	
جمع	۱۵۴	۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۵۳	۱۰۰	۳۱۱	۱۰۰	

نمودار شماره ۲- توزیع درصد پاسخگویان برحسب تجدیدی در دوره دبیرستان



جدول فوق نشان می دهد که ۴۷/۶ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که حداقل یک بار در دوره دبیرستان تجدیدی آورده اند و ۵۲/۴ درصد در دوره دبیرستان اصلاً تجدید نشده اند. نسبت افرادی که در دوره دبیرستان حداقل یک بار تجدید شده اند در بین دانشجویان مشروطی ۴۴/۱ درصد و در بین دانشجویان انصرافی ۵۸/۶ درصد و در بین اخراجیها ۴۵/۳ درصد بوده است.

رابطه بین وضعیت تحصیلی در دوره دانشگاه و سابقه تجدیدی در دبیرستان توسط آزمون  $\chi^2$  (کیدو) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج این آزمون به شرح زیر بوده است.

$$\chi^2 = 7/9 \quad d.f = 3 \quad P = 0/04 \quad \tau_b = 0/088$$

با توجه به نتایج فوق بین سابقه تجدیدی در دبیرستان و افت تحصیلی در دانشگاه از نظر آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

همچنین بین سابقه مردودی در دبیرستان و وضعیت تحصیلی در دانشگاه نیز آزمون  $\chi^2$  عمل آمده که نتایج آن به شرح زیر است:

$$\chi^2 = 14/69 \quad d.f = 3 \quad P = 0/002 \quad \tau_b = 0/004$$

براساس نتایج فوق، بین سابقه مردودی در دبیرستان و افت تحصیلی در دانشگاه از نظر آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

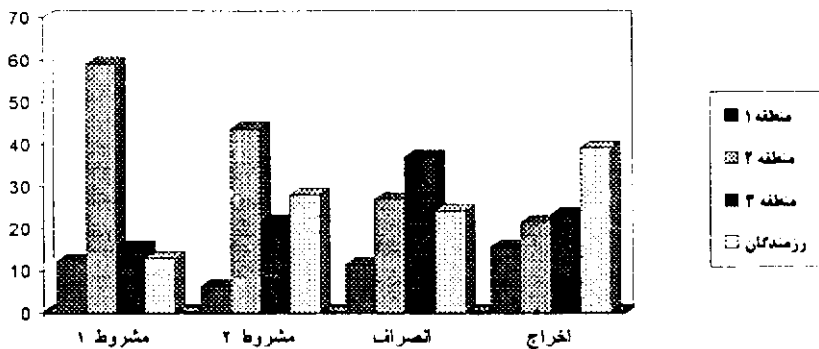
همچنین سهمیه قبولی کنکور مورد سوال قرار گرفته رابطه آن با وضعیت تحصیلی در دانشگاه در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان برحسب سهمیه پذیرفته شده در کنکور سراسری

وضعیت سهمیه کنکور	مشروطی ۱		مشروطی ۲		انصراف		اخراج		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
منطقه ۱	۱۹	۱۲/۳	۲	۶/۳	۸	۱۱/۵	۸	۱۵/۷	۳۷
منطقه ۲	۹۱	۵۹/۱	۱۴	۴۳/۷	۱۹	۲۷/۱	۱۱	۲۱/۶	۱۳۵
منطقه ۳	۲۴	۱۵/۶	۷	۲۱/۹	۲۶	۳۷/۱	۱۲	۲۳/۵	۶۹
رزمندگان	۲۰	۱۳	۹	۲۸/۱	۱۷	۲۴/۳	۲۰	۳۹/۲	۶۶
جمع	۱۵۴	۱۰۰	۳۲	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۵۱	۱۰۰	۳۰۷

طبق جدول بالا، ۱۲/۱ درصد پاسخگویان سهمیه منطقه ۱، ۴۴ درصد سهمیه منطقه ۲، ۲۲/۴ درصد سهمیه منطقه ۳ و ۲۱/۵ درصد سهمیه رزمندگان می باشند. در نمودار شماره ۳ توزیع دانشجویان دارای اکت تحصیلی در سهمیه های مختلف به نمایش آمده است.

نمودار شماره ۳- توزیع پاسخگویان برحسب سهمیه پذیرفته شده در کنکور سراسری



همانگونه که مشاهده می گردد در بین اخراجیها سهمیه رزمندگان با ۳۹/۲ درصد بیشترین مقدار را دارد و به عبارت دیگر حدود ۴۰ درصد کسانی که از دانشگاه اخراج و ۲۵ درصد کسانی که انصراف می دهند از سهمیه رزمندگان هستند.

نسبت اخراجی و انصرافی در سهمیه منطقه یک به ترتیب ۱۵/۷ و ۱۱/۵ درصد و در سهمیه منطقه ۲، ۲۱/۶ و ۲۷/۱ درصد و در سهمیه منطقه ۳، ۲۳/۵ و ۳۷/۱ درصد می باشد.

همچنین بین سهمیه قبولی در کنکور و وضعیت تحصیلی پس از قبولی در دانشگاه، آزمون کیدو بعمل آمد که نتایج آن به این شرح است:

$$\chi^2 = ۴۳/۳۴ \quad d.f = ۹ \quad P = ۰ \quad \tau_b = ۰/۲۳$$

این داده ها نشان می دهند که رابطه بین سهمیه قبولی و افت تحصیلی از نظر آماری صددرصد معنی دار است. همچنین همبستگی کندال b این همبستگی را تقریباً قوی و مثبت می داند یعنی هرچه سهمیه قبولی دانشجویان از منطقه یک به طرف ۲ و ۳ و رزمندگان سیر می کند افت تحصیلی آنان بیشتر می شود.

بین محل اخذ دیپلم (شهر - روستا) نیز با وضعیت تحصیلی دانشجویان آزمون (کیدو)  $\chi^2$  بعمل آمد ولی این آزمون از نظر آماری معنی دار نیست. به عبارت دیگر بین کسانی که در شهر یا روستا دیپلم گرفته اند و وارد دانشگاه شده اند از نظر تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

## نتیجه گیری

۱- در بررسی تحقیقات صورت گرفته در زمینه اکت تحصیلی در داخل و خارج به وجود رابطه بین اکت تحصیلی و بسیاری از متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و ... مثل سن، جنس، وضع تأهل، وضع اشتغال، وضعیت اقتصادی و فقر خانواده، سابقه تحصیلی قبلی، و تحصیلات پدر و مادر، بعد خانوار اشاره شده است که در این تحقیق بعضی از آنها تأیید و بعضی از روابط بین متغیرها تأیید نگردیده است.

۲- بین بعد خانوار و معدل دانشجوی ضریب همبستگی معنی دار و معکوس است این امر نشان می دهد که دانشجویان دارای خانواده های پرجمعیت از معدل پائین تری برخوردارند، به عبارت دیگر دارای اکت تحصیلی بیشتری می باشند. همچنین بین فوت یا متارکه والدین و وضعیت تحصیلی دانشجویان از نظر آماری رابطه معنی داری مشاهده نشد.

۳- بین وضعیت اقتصادی خانواده و درآمد ماهیانه خانواده با وضعیت تحصیلی (اکت تحصیلی) رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر فقر خانواده باعث اکت تحصیلی دانشجویان می گردد. همچنین بین وضعیت اشتغال (شاغل و غیرشاغل بودن) با اکت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری مشاهده شد. به عبارت دیگر اشتغال دانشجویان باعث اکت تحصیلی او می شود. با کنترل معدل دیپلم (ضعف پایه تحصیلی) این رابطه معنی دار نیست.

۴- بین دوره (شبانه یا روزانه) و وضعیت تحصیلی از نظر آماری رابطه معنی داری مشاهده نشد. اگرچه در این مورد وضعیت انصرافی را باید استثناء نمود، زیرا ۷۵ درصد دانشجویان انصرافی شبانه هستند و اکثر آنها در ابتدای تحصیل به علت عدم توانایی پرداخت شهریه از تحصیل انصراف می دهند. ولی کسانی که توانایی نسبی پرداخت هزینه را داشته اند و به تحصیل ادامه داده اند با دانشجویان روزانه از نظر تحصیلی تفاوتی ندارند.

۵- بین ضعف پایه تحصیلی (معدل دیپلم، سابقه تجدیدی و مردودی در دبیرستان و سهمیه کنکور) با اکت تحصیلی در دانشگاه رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر ضعف پایه تحصیلی باعث اکت تحصیلی دانشجویان می گردد. بین سهمیه کنکور و اکت تحصیلی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. بررسی نشان می دهد که بالاترین درصد اخراجیها را دانشجویان سهمیه رزمندگان با  $39/2$  درصد تشکیل می دهند. به عبارت دیگر حدود ۴۰ درصد کسانی که از دانشگاه اخراج و ۲۵ درصد کسانی که انصراف می دهند از سهمیه رزمندگان هستند.

## پیشنهادهات

۱- یکی از عوامل مهم و مؤثر در افت تحصیلی دانشجویان ضعف بنیه علمی آنها در قبل از ورود به دانشگاه است. برای اصلاح این امر یا حداقل کاهش آن دو راه حل پیشنهاد می‌گردد:

(الف) شرط نام نویسی در کنکور سراسری داشتن دیپلم یا مدرک پیش دانشگاهی با معدل حداقل ۱۲ باشد و این امکان برای کسانی که معدل کمتر از آن را دارند وجود داشته باشد که مجدداً بتوانند دیپلم با معدل بالاتر را از طریق نام نویسی مجدد در دبیرستان اخذ نمایند. این مسئله باعث می‌شود کسانی که بنیه علمی ضعیف دارند با مرور مجدد دروس، به تقویت بنیه علمی خود بپردازند.

(ب) کسانی که دارای افت تحصیلی بودند در کنکور سراسری از دروس اصلی آن رشته نمره صفر گرفته بودند<sup>۱</sup> برای جلوگیری از چنین امری پیشنهاد می‌شود که برای قبولی در هر رشته، برای درس اصلی آن (حداقل ۴ درس) حد نصاب کسب حداقل ۲۰ درصد نمره در این دروس در کنکور سراسری الزامی گردد.

(ج) مشکل دیگر دیپلم های هنرستان و دیپلم های با عناوین خاص است که مواد درسی دوره هنرستانی و یا دبیرستانی آن با هیچیک از گروههای آزمایشی موجود هماهنگی ندارد.<sup>۲</sup> در این مورد باید مواد درسی دوره هنرستان یا دبیرستان تغییر یابد یا گروه آزمایشی مخصوص برای آنها همراه با رشته های متناسب با دروس دوره دبیرستان در نظر گرفته شود، (مثلاً قرار دادن دیپلم های هنرستانی با ریاضی فیزیک در یک گروه و سپس در دوره دانشگاه در یک رشته با توجه به مواد دوره هنرستان مناسب نیست).

۲- همانگونه که در کنکور سراسری سالهای قبل به منظور تشویق افراد به انتخاب رشته های بومی، امتیازاتی برای انتخاب کنندگان در نظر گرفته می‌شد، لازم است این امر با تشویق بیشتر ادامه یابد اما در این باره پیشنهاد می‌شود: تعریف افراد بومی بگونه ای تغییر یابد بطوری که سه درجه از بومی بودن با توجه به مسافت از دانشگاه تشخیص داده شود.

بومی درجه اول: کسانی که مسافت بین محل سکونت تا دانشگاه کمتر از ۸۰ کیلومتر باشد.

بومی درجه دوم: کسانی که مسافت بین محل سکونت تا دانشگاه بین ۲۰۰- ۸۰ کیلومتر باشد.

بومی درجه سوم: کسانی که مسافت بین محل سکونت تا دانشگاه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰ کیلومتر باشد.

۳- فقر و پائین بودن سطح اقتصادی خانواده اثر قاطعی بر افت تحصیلی دانشجویان دارد لذا لازم است تدابیری جهت کمک به افراد نیازمند ولی با استعداد اندیشیده شود. تأسیس «صندوق حمایت از دانشجویان بی بضاعت» پیشنهاد می گردد. تا از دانشجویان پذیرفته شده در کنکور که دارای بنیه علمی قوی (مثلاً معدل دیپلم بالا) هستند حمایت نماید.

## منابع فارسی

- ۱- امین فر، مرتضی، علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره های ۱۳ و ۱۴ بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۳۶-۹.
- ۲- سازمان سنجش و آموزش کشور، دفترچه کنکور سراسری شماره ۱، ۱۳۷۷.
- ۳- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: فرجادی، غلامعلی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.
- ۴- مهندسین مشاور ماندگار، طرح جامع دانشگاه یزد، سال ۱۳۶۶.
- ۵- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آئین نامه آموزشی، نشریه شماره ۱۰۱، ۱۳۶۹.
- ۶- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آئین نامه آموزشی، نشریه شماره ۱۵۵، ۱۳۷۶.

## منابع انگلیسی

- 7-Adams. G.R. & Lavoie. J.C.(1974) The effect of students sex conduct and facial attractiveness on teacher expectancy. Education, vol.95. 76-83.
- 8-Astin, A. (1972). Predicting academic performance in college. New York: Free Press.
- 9-Eckland, B. (1964) college dropouts who come back. Harvard educational review. 34, 402-420.(a).
- 10-Sewell, W, & Shah, V. Socioeconomic status, intelligence, and the attainment of higher education. Sociology of education, 1967, 40, 1-23.
- 11-Watley, D (1965). The Minnesota counseling inventory and persistence in an institute of technology. Journal of counseling. Psychology, 12, 94.